

رفیق بازی تا حیاط دادگاه

گروه حوادث/ حیاط دادگاه خانواده مثل همیشه پر بود از حضور مراجعه کنندگان و زوج‌هایی که برای حل اختلاف یا جدایی آمده بودند اما در این میان رفتار چند پسر جوان که دور هم جمع شده بودند آنقدر عجیب بود که توجه هریبنده‌ای را جلب می‌کرد. مهدی ۲۵ ساله با چند جوان هم سن و سال خودش در گوشه‌ای از حیاط ایستاده و سرگرم گفت‌وگو بودند و هرچند دقیقه یکبار با جمله‌ای که بینشان رد و بدل می‌شد صدای انفجار خنده هایشان در محوطه می پیچید. اما آن سوتر زن جوانی ایستاده بود و هر از گاه نیم نگاهی از روی تنفر به جمع مهدی و دوستانش می‌انداخت و زیر لب ناسزا می گفت. شاید در ابتدا اینگونه به نظر می‌رسید که این جمع چند نفره و آن زن تنهای کم سن و سال هیچ ارتباطی باهم ندارند اما وقتی ساعت برگزاری جلسه دادگاه رسید همراه شدن مهدی و مارال نشان می‌داد که آنها نیز زوجی هستند مانند اغلب افراد حاضر در دادگاه که درخواست جدایی دارند.با ورود آنها به داخل شعبه داد‌گاه خانواده عملا پروژه طلاق بین این زوج کلید خورد.

مارال پس از ورود به شعبه با نگاهی غریبانه و بیغضی که در گلو داشت بدون سلام وعلیک به قاضی میانسال گفت: جناب قاضی من طلاق می‌خوام... قاضی با تعجب پرسید: به طور قطع همه کسانی که به اینجا می آیند طلاق می خواهند اما من باید بدانم که مشکل چیست و اگر دیدم قابل حل شدن نیست حتماً حکم طلاق می‌دهم. حالا بگویید مشکلاتن با این آقا چیست؟ مارال گفت: از ابتدا عجله کردم و همین عجلو بودنم هم باعث شد الان به بن بست برسم. من و مهدی در یک میهمانی همدیگر را دیدیم. او دوست شوهرخواهرم سیامک بود و من خام تعریف‌های سیامک شدم. یک ماه باهم ارتباط دوستانه‌ای داشتیم و پس از آن هم ازدواج کردیم اما تنها ۳ ماه از زندگی‌مان گذشته بود که متوجه شدم مهدی تعهد به خانواده‌اش را تنها در خرید مایحتاج روزمره زندگی می‌داند و هیچ تمایلی برای وقت گذراندن با من که همسرش هستم، ندارد. او فقط دوست دارد که با رفقایاش باشد و هروقت که چشم باز می‌کند تا پاسی از شب فقط به دنبال رفیق بازی است. قاضی رویه مهدی کرد و گفت: پس رفیق بازی!

مهدی جواب داد: آقای قاضی من با رفقایم ارتباط دارم اما نه به این شدتی که همسرم عنوان می‌کند. ما چند رفیق هستیم که بنا به شرایط کارمان از صبح باهم هستیم وپس از پایان کارمان هم چند ساعتی را در کنار هم وقت می‌گذرانیم اما نمی‌دانم چرا همسر من دوست دارد این قضیه را پررنگ‌تر ببیند. این چند نفر دوستان دوران کودکی و هم محله‌ای‌ام هستند و ما از بچگی باهم بزرگ شده‌ایم و همه موفقیت‌م را مدیون آنها هستم...

مارال به یکباره حرف مهدی را قطع کرد و گفت: از صبح برای کار باهم هستید و تا ساعت ۴ نیمه شب هم در مورد کارهای فردا باهم وقت می‌گذرانید؟! آقای قاضی همسر من مظلوم نمیای می‌کند. من اصلاً در طول شبانه روز نیم ساعت هم او را نمی‌بینم گاهی اوقات شبها به خانه نمیاد و شب‌هایی هم که میاد فقط برای خوابیدن است.مهدی جواب داد: من این طوری نیستم اما اگر احساس می‌کنی بااین حرف‌ها پیروزی می‌شوی باشه من رفیق بازم و نمی‌خواهم خودم را اصلاح کنم. تو هم اگر این موضوع را مشکل غیرقابل حلی می‌دانی می‌توانی طلاقت را بگیری و به خانه پدرت بروی! اصلاً آقای قاضی میدونید مشکل چیه؟ چون من علاقه‌ای به رفت و آمد با خانواده‌اش ندارم ما الان اینجا هستیم. چون من همسرم را از دوستانش که مشکل اخلاقی داشتند جدا کردم این حرف‌ها را مطرح می‌کند وگرنه من هرچه که یک زن آرزویش را دارد برایش تأمین کردم.

مارال ممکن‌طور که اشک می‌ریخت به مهدی گفت: آقای قاضی همین الان هم او با دوستانش به دادگاه آمده انگار اصلاً نمی‌تواند یک لحظه از آنها جدا بشود. چرا برای توجیه خطاهای خودت به دوستان من تهمت می‌زنی؟! مگر خانواده من چه هیزم‌تری به تو فروخته اند؟! تو با من ازدواج کردی یا با دوستانت که با آنها به همه ج‌ای می‌روی چرا به من که میرسی یا وقت نداری یا خسته‌ای...

قاضی وقتی دید بحث و جدل میان این زوج به سرانجام خوبی نمی‌رسد به آنها فرصت یک ماهه‌ای داد تا علاوه بر حضور در جلسه مشاوره قری‌ بیشتر در مورد آینده زندگی‌شان تأمل کنند و ماه آینده دوباره در دادگاه حاضر شوند.

■ **محمد رضا صفدری / کارشناس خانواده**

مشکل اصلی مهدی در این پرونده آن است که او هنوز ماهیت زندگی مشترک را درک نکرده و هنوز بر این باور است که می‌تواند همانند دوران مجردی بیشتر اوقاتش را با دوستانش بگذراند. مهدی باید بداند که رفیق بازی‌ها با مرور زمان باعث طلاق عاطفی بین او و همسرش شده و راه برای طلاق قانونی هموارتر می‌شود. از طرفی مارال هم باید صبوری و تلاش کند تا خلأهای عاطفی و روحی همسرش را پیدا کند و بیش از پیش با او رفیق باشد تا مهدی به جای رنجوخ به دوستانش بیشتر به همسرش نزدیک شود. برای حل این مشکلات تلاش هر دو نفر ضروری است و لجبازی و بی تفاوتی زندگی آنها را به بن بست خواهد رساند.

نرم‌افزای برای پیشگیری ازسرقت

گروه حوادث/ پلیس برای آموزش همگانی مردم به منظور پیشگیری از سرقت اقدام به طراحی و ساخت یک اپلیکیشن کرد.

سرگرد وحید سلطانی، معاون اجتماعی پلیس پیشگیری پایتخت، در این باره گفت: معاونت اجتماعی پلیس اقدام به طراحی و ساخت اپلیکیشنی به نام «آموزش همگانی پلیس» کرده که در این نرم‌افزار، پلیس به شهروندان درباره پیشگیری از سرقت و وقوع جرم آموزش می‌دهد.این نرم‌افزار با استفاده از فیلم‌های دوربین‌های مدار بسته، مصاحبه با سارقان دستگیر شده، استفاده از تجارب مالباحثگان برای نگهداری از اموال‌شان و همچنین زندان‌های سارقان در خصوص پیشگیری از سرقت و راه‌های خطایی که عاقبتش به زندان ختم می‌شود، به آموزش شهروندان می‌پردازد.وی بیان کرد: برای نصب این نرم‌افزارکه شامل توصیه‌های ایمنی، اطلاعاتی‌های پلیسی و تالار پرسش و پاسخ و آموزش همگانی است، می‌توانند به آدرس سایت www.police.ieمراجعه کنند و با از طریق نرم افزار کافه بازار نسبت به دریافت آن اقدام و روی تلفن همراه نصب کنند.

«مومو» قلابی دستگیر شد

گروه حوادث/ پسر جوان که با همدستی دوستانش با ساخت اکانت «مومو» و ارسال پیام‌های تهدید آمیز برای پسرعه‌اش باعث وحشت او شده بود از سوی پلیس دستگیر شد.

سرگرد احسان بهمنی، سرپرست پلیس فتا استان هرمزگان در این باره گفت: به دنبال شکایت‌های متعدد شهروندان مبنی بر ارسال پیام‌های تهدید آمیز از یک اکانتی با عنوان «مومو» تحقیقات در این باره ادامه داشت که چند روز قبل مردی به پلیس فتا مراجعه کرد و اعلام داشت داردنده اکانت واتس‌اپی که تصاویر پروفایل آن عروски به‌نام «مومو» و ارواح خبیثه است اقدام به ارسال پیام بازی برای فرزندم کرده‌ا اما پس از مخالفت پسرمر برای ادامه بازی، صاحب اکانت اطلاعات خصوصی از خانواده ما ارائه و با تهدیدات مکرر پسرمر را مجاب به ادامه بازی کرده که این امر موجب ترس و دلهره در میان خانواده ما شده است.

این مقام انتظامی گفت: پس از اقدامات پلیسی و پی جویی‌های فنی متهم شناسایی و ضمن هماهنگی‌های قضایی به این پلیس احضار شد. متهم پرونده گفت در گروه دورهمی یا دوستانم در واتس‌اپ، مطالبی پیرامون «مومو» از سوی مدیر گروه و دیگران ارائه شده بود. من هم به بهانه شوخی با پسرعمه‌ام به‌همراه چند تا از دوستانم با شماره سیم کارت نا‌آشنا یا شماره‌های موقت خارجی اکانت‌های واتس‌اپی ایجاد کردیم و تصاویر پروفایل آن را «مومو» و ارواح ترسناک گذاشتیم و به او پیام چالش وحشت دادیم و قصد ما از این کار فقط شوخی بوده است.

بدین ترتیب سرگروه و ۶ نفر از دوستان وی شناسایی شدند و اقدامات قضایی برای رسیدگی به این پرونده ویژه در حال انجام است.

۳ فرضیه برای مرگ پیرزن تنها

گروه حوادث/ همزمان با کشف جسد پیرزنی تنها در یک خانه ویلایی قدیمی که دچار آتش‌سوزی شده ۳ فرضیه برای این حادثه از سوی تیم جنایی در حال بررسی است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۴ پامداد یکشنبه ۲۷ مهر، آتش‌سوزی در ساختمان ویلایی در محدوده شرق تهران به آتش‌نشانی اعلام شد. به‌دنبال اعلام این خبر امدادگران آتش‌نشانی راهی محل شدند و در مدت زمان چهار دقیقه به‌خانه مورد نظر در خیابان استخر رسیدند. تمام بخش‌های این خانه قدیمی ویلایی که حجم بسیار زیادی ضایعات نگهداری می‌شد، شعله و رو بود و در آتش می‌سوخت. جلاا ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی در این باره گفت: آتش‌نشنان از سه طرف به داخل ساختمان نفوذ و عملیات اطفا را آغاز کردند اما در حین عملیات با بدن نیمه جان زنی ۸۰ ساله که زیر حجم زیادی از ضایعات قرار گرفته بود مواجه شدند. وی به پیرون از ساختمان منتقل شد اما با معاینات اورژانسی اعلام شد که او جان خود را از دست داده است. با مرگ پیرزن، موضوع به بازپرس کشیک قتل جان زنی ۸۰ ساله که زیر حجم زیادی از ضایعات قرار رفته و تحقیقات میدانی آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد پیرزن به تنهایی زندگی می‌کرده و علاوه بر جمع‌آوری ضایعات در خانه قدیمی از حیوانات نیز نگهداری می‌کرده است.در ادامه بررسی‌ها یکی از همسایه‌ها گفت: دیشب صدای پیرزن را می‌شنیدم که با کسی حرف می‌زد شاید با

سرگرد بهمنی در ادامه گفت: این روزها اکانت‌هایی با شماره‌های خارجی و داخلی با فعال سازی چالشی شبیه‌تنگ آبی تحت عنوان «مومو» اقدام به ارسال پیام اولیه با مضمون «بیا باهم بازی کنیم» به زبان انگلیسی و فارسی برای کاربران می‌کنند. پیام‌ها، تصاویر و کلیپ‌هایی ساختگی با ماهیت خشونت و خودزنی از سوی پروفایل با نمای عروסק اهریمنی معروف به «مومو» ارسال می‌شود به این شرح که اگر مخاطب رگ خود را نزنند و چالش‌های آسیب تکمیل نشود، در این صورت مومو به آدرس و محل زندگی قربانی کاملاً آشناست و اقدام به حمله با جاقو و اسلحه سرد به اعضای خانواده او خواهد کرد.

سرگرد بهمنی بیان داشت: با بررسی‌های فنی مشخص شد که اکانت اصلی این چالش، یک روبات پاسخگوی اتوماتیک به زبان انگلیسی است و همچنین افرادی با بهره‌گیری از شماره‌های موقت خارجی باحتی داخلی اقدام به راه‌اندازی اکانت واتس‌اپ کرده و برای دیگران باهمین روش مزاحمت ایجاد می‌کنند و عده‌ای هم اقدام به نشر شایعات آلوده و کذب در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌کنند.

سرپرست پلیس فتا استان هرمزگان خاطر نشان کرد: نصب برنامه‌های مستقل ساخته شده برای این گونه چالش‌های روان پریش به غیر از آسیب‌های روانی باعث سرقت اطلاعات خصوصی کاربران می‌شود، پایه و اساس این چالش‌ها بر مبنای دروغ و حیل‌های روانشناختی است، بر همین اساس عدم نصب برنامه‌های مربوطه یا پاسخ دهی و بلاک این شماره‌ها در پیام‌رسان‌های خارجی بهترین واکنش از سوی مخاطبان است.



حیواناتش بود، اما می‌گفت خودش را آتش می‌زند.

بدین ترتیب فرضیه‌های مختلفی در مورد مرگ زن ۸۰ ساله مطرح شد. نخستین فرضیه احتمال وقوع حریق ناخواسته و گرفتار شدن پیرزن در آتش بود. دومین فرضیه این بود که شاید پیرزن تصمدی خانه را آتش زده باشد و سومین احتمال نیز بررسی وقوع یک جنایت است که باید بررسی شود. با توجه به مشکوک بودن علت مرگ پیرزن تنها، بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت مرگ را صادر کرد. همچنین بازپرس محمد جواد شفیع‌ی دستور داد تا کارشناس آتش‌نشانی علت حادثه، بررسی عمدی یا غیرعمدی بودن آتش‌سوزی و شناسایی خانواده پیرزن تنها را بررسی کند.ملکی گفت: عملیات اطفا ی حریق بسرعت حوالی ساعت ۶ صبح به پایان رسید.

editorial@irannewspaper.ir

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ – ۸۸۷۶۱۶۲۱



با گذشت ۱۰ روز از آتش‌سوزی اردوگاه باهنر

دومین پسر اوتیسمی جان باخت

گروه حوادث/ پسر اوتیسمی که در آتش‌سوزی اردوگاه شهید باهنر تهران دچار سوختگی ۷۰ درصدی شده بود، جان خود را از دست داد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه آتش‌سوزی عصر روز پنجشنبه ۱۷ مهر در حالی رخ داد که مربیان یک مؤسسه خیریه نگهداری کودکان اوتیسمی حدود ۱۵ پسر را برای تفریح به اردوگاه باهنر در خیابان قیضیه تهران برده بودند اما ناگهان یکی از اتاق‌ها آتش گرفت و پس از حضور امدادگران آتش‌نشانی و خاموش کردن آتش دو تا از پسر‌ها که در اتاق گرفتار شده بودند بیرون کشیده شدند اما یکی از پسر‌ها به نام آرین فاتح‌پور که حدوداً ۲۴ ساله بود در همان محل جان باخت و پسر دوم که حدود ۷۰ درصد سوختگی داشت به بیمارستان منتقل شد.

با گذشت ۱۰ روز از این ماجرا پسر ۱۹ ساله نیز به علت شدت سوختگی جان خود را از دست داد. با ارسال پرونده این آتش‌سوزی به دادسرا برای روشن شدن علت این حادثه سه نفر از مربی‌های این مرکز بازداشت شده و بررسی‌ها برای مشخص شدن علت آتش‌سوزی و مقصران این حادثه ادامه دارد.

تأیید حکم قصاص مرد عاشق پیشه

آن روز طبق نقشه قبلی با تیغ، لاستیک خودرواش را پنجر کردم. وقتی در حال عوض کردن لاستیک بود به اوزن‌دیک شدم و دو گوله به سرش شلیک کردم و با خودروی دوستم نادر فرار کردم پس از آن هم اسلحه را به داخل کانال آب انداختم.

پس از اعترافات متهم، نادر هم بازداشت شد و هر دو محاکمه شدند. در ابتدای این جلسه اولیای‌دم برای متهمان درخواست قصاص کردند. سپس کیوان در دفاع از خودش گفت: من همه اعترافتم را رد می‌کنم. هیچ گناهی مرتکب نشدم. هر آنچه را هم که تاکنون گفته بودم تحت تأثیر فشار روانی در بازداشتگاه بوده وگرنه من در زمان قتل سیامک در حال خرید در میدان صادقیه بودم اما چون مدتی برای ثابت کردن حرقم ندارم در حال حاضر متهم به قتل شدام.

در ادامه نادر نیز اتهام معاونت در قتل را انکار کرد و گفت من نمی‌دانستم کیوان می‌خواهد سیامک را بکشد.

در پایان جلسه هیأت قضایی وارد شور شد و کیوان را به قصاص محکوم کردند که رای مورد اعتراض او قرار گرفت. پس از آن پرونده به دیوان‌عالی کشور رفت و قضات حکم صادره را نقض کردند و پرونده بار دیگر در شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت و کیوان دوباره ادعاهایش را مبنی بر بی‌گناهی‌اش تکرار کرد.با این حال بر اساس مستندات و مدارک موجود در پرونده متهم بار دیگر به قصاص محکوم شد که بازهم با اعتراض کیوان همراه شد.

در این میان دختر مقتول نسبت به متهمان اعلام شکایت است. به این زن داشتیم با او ارتباط دوستی برقرار کردم اما پس از مدتی متوجه شدم که آنها دوباره ازدواج کرده‌اند. به‌همین خاطر من ارتباطم را با نسرين قطع کردم. ولی گاهی تلفنی با هم حرف می‌زدیم و او رفتارهای بد و نادرست سیامک می‌گفت و از من می‌خواست تا کمکش کنم. تصمیم گرفتم به سیامک بگویم نسرين را طلاق دهد تا من با او ازدواج کنم.

گروه حوادث/ مرد جوان که به‌خاطر علاقه به یک زن، شوهر او را کشته و به قصاص محکوم شده بود با تأیید این حکم از سوی قضات دیوان‌عالی کشور در یک قذمی چویه دار قرار گرفت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آذر سال ۹۵ با شلیک دو گلوله مرگبار به مرد جوانی در خیابان بخشایش سعادت آباد آغاز شد. مأموران پس از حضور در محل متوجه شدند که مقتول مردی ۳۴ ساله به‌نام سیامک است که در حال پنچرگیری خودرواش بوده اما ناگهان مردی نقاب پوش به وی نزدیک شده و پس از شلیک گلوله‌ها بلافاصله سوار بر یک خودرو صحنه را ترک کرده است. در ادامه پلیس برای پیدا کردن سرخ‌ این جنایت به سراغ نسرين همسر ۲۹ ساله مقتول رفت که او اطلاعات مهمی را به مأموران داد و گفت: من در مدت و سیامک مدتی قبل از هم جدا شدیم دراین مدت دوست سیامک به‌نام کیوان به من ابراز علاقه کرد و با هم ارتباط داشتیم تا اینکه من دوباره با سیامک ازدواج کردم و خیلی زود فرزند دوم مان به دنیا آمد. از زمانی که من دوباره به زندگی با همسرم رجوع کردم ارتباطم با کیوان قطع شد. بررسی مأموران نشان می‌داد که در زمان وقوع قتل تلفن همراه کیوان در محل جنایت آتتن دهی داشته است و این موضوع به‌همراه اظهارات نسرين کوبیای آن بود که کیوان مظنون اصلی قتل سیامک است. به این ترتیب کیوان بازداشت شد. او در ابتدا منکر قتل دوستش شد اما در ادامه با جویی‌ها به قتل اعتراف کرد و درباره جزئیات آن گفت: وقتی فهمیدم سیامک و نسرين از هم جدا شده‌اند به‌خاطر عشقی که به این زن داشتم با او ارتباط دوستی برقرار کردم اما پس از مدتی متوجه شدم که آنها دوباره ازدواج کرده‌اند. به‌همین خاطر من ارتباطم را با نسرين قطع کردم. ولی گاهی تلفنی با هم حرف می‌زدیم و او رفتارهای بد و نادرست سیامک می‌گفت و از من می‌خواست تا کمکش کنم. تصمیم گرفتم به سیامک بگویم نسرين را طلاق دهد تا من با او ازدواج کنم.

دفن اردوگاه نظامی ویتنام در رانش زمین



باران سیل‌آسا رانش زمین در ویتنام باعث مدفون شدن یک اردوگاه نظامی زیر گل‌ولای و کشته شدن حداقل ۲۲ نظامی شد. به گزارش ای‌بی‌سی نیوز، در دومین حادثه رانش زمین در ویتنام در فاصله یک هفته، دست‌کم ۲۲ نیروی ارتش این کشور مدفون شدند. در رانش اول که در پی بارش‌های سنگین رخ داد، ۱۳ نفر جان خود را از دست دادند. رانش اخیر بعد از یک هفته باران بی‌وقفه در استان کوانگ‌تری باعث فروریختن سنگ و گل‌ولای روی یک اردوگاه نظامی مستقر در دامنه کوه

شد. بنا بر گزارش‌ها هشت نفر موفق به فرار شدند. درحالی‌که حدود ۱۰۰۰ امدادگر در میان گل‌ولای در جست‌وجوی افراد ناپدید شده هستند، سه جسد کشف‌شده است. روز پنجشنبه نیز امدادگران ۱۳ جسد را که ۱۱ نفر از آنها افسران ارتش بودند، در استان «تواتین-هونه» در همسایگی استان کوانگ‌تری یافتند. این تیم همچنین قرار است برای رسیدگی به یک حادثه رانش زمین دیگر که تصور می‌شود باعث گیر افتادن ۱۶ کارگر در یک نیروگاه برق- آبی شده، اعزام شود.

از هفته گذشته باران‌های سیل‌آسا باعث به راه افتادن سیل در مرکز ویتنام شده، در همین حال پیش‌بینی‌های هواشناسی از در راه بودن باران‌های بیشتر خبر می‌دهند.

حوادث جهان

